

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

از کلمات مرحوم آخوند(ره) و برخی دیگر اصولیین با توجه به آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران در بحث اشتراک و مباحث دیگر چنین استفاده می‌شود که مقصود از محکّمات در قرآن کریم آیات مبین و مقصود از متشابه آیات مجمل است؛ در نتیجه مقصود از آیات مجمل بوسیله آیات مبین روشن می‌شود.

با توجه به اهمیت مسئله که از یک سو مرتبط با مباحث علوم قرآن و تفسیر و از سوی دیگر مرتبط با علم اصول می‌باشد، لازم است به معنای محکم و متشابه پرداخته و بررسی نمائیم که دیدگاه مرحوم آخوند(ره) صحیح است یا خیر؟!

ترجمه اجمالی آیه هفتم سوره مبارکه آل عمران

خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی قرآن را نازل نمود و بخشی از آن آیات محکم است که با وصف «ام الكتاب» از آن یاد شده‌است. برخی دیگر از آیات نیز متشابه هستند.

اما کسانی که در قلب آن‌ها «زیغ» به معنای عدول از حق به باطل و انحراف وجود دارد، با هدف ایجاد فتنه و بیان معانی متفاوت برای آیات از آیات متشابه تبعیت نموده‌اند در حالی‌که تأویل و معنای آن آیات تنها در دست خدای تبارک و تعالی و راسخون در علم می‌باشد. از ظاهر آیه تقسیم آیات به محکم و متشابه به خوبی قابل استفاده است.

دیدگاه مرحوم علامه طباطبائی(ره)

مرحوم علامه طباطبائی(ره) در رابطه با آیه محل بحث و تعبیر «محکّمات» می‌فرماید: مورد استعمال ماده «حُکَم» یا «حُکَمَ» موردی است که چیزی به حدی رسیده و شیئی دیگر نمی‌تواند آن‌را از بین برده یا در آن إخلال ایجاد نماید.

سپس می‌فرماید: حکم به معنای قضاء است چرا که قاضی مانع می‌شود تا دو طرف دعوا برخلاف نظر قاضی عمل نمایند. حکمت نیز به معنای معرفت تام و علم قطعی نافع است. ایشان در ادامه می‌فرماید: مقصود از احکام محکّمات در آیه شریفه عدم وجود تشابه – مانند آیات متشابه – و إتقان آن‌ها بوده و مربوط به بعد از نزول قرآن کریم است.

اما این‌که خداوند متعال آیات را به احکام توصیف نموده و می‌فرماید: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^[1] مربوط به قبل از نزول قرآن کریم و لوح محفوظ است؛ به این معنا که مجموع آیات پیش از نزول، تَبَعُضُ و آیه آیه شدن، دارای

اتقان بوده و تقسیم به محکم و متشابه در آن ظرف بی معنا است. پس این دو آیه از این حیث متفاوت هستند؛ یعنی تعبیر «کتابٌ أُحْكِمَتْ» ناظر به قبل از نزول و تعبیر «آیاتٌ مُحْكَمَاتٌ» ناظر به بعد از نزول می‌باشد که بعد از نزول نیز آیات به محکم و متشابه تقسیم می‌شوند.

ایشان در رابطه با تعبیر متشابه نیز می‌فرماید: اما معنای آنچه در آیه «کِتَاباً مُّتَشَابِهاً مَّثَانِیً»^[12] وارد شده با آیه محل بحث متفاوت است به این بیان که متشابه وصف کتاب است؛ یعنی کلیه آیات قرآن کریم در نظم، فصاحت، بلاغت، اتقان، اعجاز و... مانند هم بوده و مانند کلام انسان نیست تا در جهات مذکور متفاوت باشند.

سپس می‌فرماید: تشابه در لغت به معنای توافق و اتحاد اشیاء مختلف در اوصاف و کیفیات است، همان‌گونه که خداوند متعال در آیه مذکور به آن اشاره نموده و در ادامه فرموده‌است «تَقْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ»^[13] یعنی تمام آیات قرآن کریم از حیث جزالة النظم، اتقان اسلوب و بیان حقائق و حکم و هدایت به حق دارای نسق واحد هستند.

اما تشابه مذکور در آیه محل بحث به این گونه است که معنای آن نزد سامع در بدو امر مشخص نیست، مگر این‌که آیه مذکور به محکّمات ارجاع شود و در این صورت جزء محکّمات قرار می‌گیرد؛ با این توضیح که محکّمات با وصف «ام الكتاب» به معنای ریشه و آنچه به آن رجوع می‌شود می‌باشند، پس آیات متشابه به آن‌ها باز می‌گردند تا از میان احتمالاتی که وجود دارد یک احتمال متعیّن شود. به همین جهت افرادی که در قلوبشان زیغ وجود دارد، در جهت ایجاد فتنه به آن‌ها تمسک نموده‌اند.

ایشان در ادامه به آیه شریفه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»^[14] مثال زده و می‌فرماید: در ابتدای شنیدن این آیه چنین به نظر می‌رسد که عرش تختی در آسمان‌ها است که خداوند متعال نعوذ بالله آن‌جا نشسته‌است. اما زمانی‌که با آیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»^[15] مواجه شدیم متوجه می‌شویم لازمه این‌که خداوند متعال مثل نداشته باشد این است که بگوئیم مقصود تسلط و احاطه خدای تبارک و تعالی بر خلق بوده که امری مُحکّم است.

البته مقصود این نیست که محکم قرینه بر مراد استعمالی باشد تا اثبات شود این قبیل موارد استعمال مجازی هستند، بلکه یکی از قواعد رایج در قرآن کریم که مرحوم شهید مصطفی خمینی (ره) به آن اشاره دارد، استعمال لفظ در معنایی وسیع و گسترده است؛ مثلاً در مراجعه به لغت، نازل‌ترین مقصود از استعمال «قلم» در قرآن کریم همین قلم ظاهری است. یا نازل‌ترین مقصود از استعمال «عرش» تخت و کرسی است. اما در قبال این معنا، معنای وسیع دیگری مانند احاطه نیز وجود دارد چرا که هر کس بر تخت می‌نشیند احاطه بر اطراف خود دارد. زمانی‌که آیه‌ای مانند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» در کنار آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» قرار گرفت مشخص می‌شود مقصود از تعبیر مذکور همان معنای وسیع بوده که در ابتدا به ذهن سامع نیامده‌است.

مثال دیگر آیه «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»^[16] است که در نگاه بدوی چنین به نظر می‌رسد نعوذ بالله خدای تبارک و تعالی جسم است و در روز قیامت مردم به نظاره خداوند متعال می‌نشینند. اما زمانی‌که آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»^[17] در کنار آن قرار می‌گیرد مشخص می‌شود همان‌گونه خداوند در دنیا قابل رؤیت نبود، در آخرت نیز چنین است.^[18]

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1]. هود، 1.

[2]. زمر، 23.

[3]. زمر، 23.

[4]. طه، 5.

[5]. شوري، 11.

[6]. قيامت، 23.

[7]. انعام، 103.

[8]. «قوله تعالى: مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ» مادة حكم تفيد معنى كون الشيء بحيث يمنع ورود ما يفسده أو يبعثه أو يخل أمره عليه، ومنه الإحكام والتحكيم، والحكم بمعنى القضاء، والحكمة بمعنى المعرفة التامة والعلم الجازم النافع، والحكمة بفتح الحاء لزمام الفرس، ففي الجميع شيء من معنى المنع والإتقان، وربما قيل: إن المادة تدل على معنى المنع مع إصلاح. والمراد هاهنا من إحكام المحكمات إتقان هذه الآيات من حيث عدم وجود التشابه فيها كالمتشابهات فإنه تعالى وإن وصف كتابه بإحكام الآيات في قوله: «كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»: هود- 1، لكن اشتغال الآية على ذكر التفصيل بعد الإحكام دليل على أن المراد بالإحكام حال من حالات الكتاب كان عليها قبل النزول وهي كونه واحدا لم يطرأ عليه التجزي والتبعيض بعد بتكثر الآيات، فهو إتقانه قبل وجود التبعض، فهذا الإحكام وصف لتمام الكتاب، بخلاف وصف الإحكام والإتقان الذي لبعض آياته بالنسبة إلى بعض آخر من جهة امتناعها عن التشابه في المراد. وبعبارة أخرى لما كان قوله مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ مشتملا على تقسيم آيات الكتاب إلى قسمي المحكم والمتشابه علمنا به أن المراد بالإحكام غير الإحكام الذي وصف به جميع الكتاب في قوله: كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ الآية وكذا المراد بالتشابه فيه غير التشابه الذي وصف به جميع الكتاب في قوله: «كِتَاباً مُتَشَابِهاً مَتَانِي»: الزمر- 23. وقد وصف المحكمات بأنها أم الكتاب، والأم بحسب أصل معناه ما يرجع إليه الشيء، وليس إلا أن الآيات المتشابهة ترجع إليها فالبعض من الكتاب وهي المتشابهات ترجع إلى بعض آخر وهي المحكمات ومن هنا يظهر أن الإضافة في قوله أم الكتاب ليست لامية كقولنا: أم الأطفال، بل هي بمعنى من، كقولنا نساء القوم وقدماء الفقهاء ونحو ذلك، فالكتاب يشتمل على آيات هي أم آيات آخر، وفي أفراد كلمة الأم من غير جمع دلالة على كون المحكمات غير مختلفة في أنفسها بل هي متفقة مؤتلفة. وقد قولت المحكمات في الآية بقوله: وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، والتشابه توافق أشياء مختلفة واتحادها في بعض الأوصاف والكيفيات، وقد وصف الله سبحانه جميع القرآن بهذا الوصف حيث قال: «كِتَاباً مُتَشَابِهاً مَتَانِي تَفْشَعِرُ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمُ» الآية: الزمر- 23، والمراد به لا محالة كون آيات الكتاب ذات نسق واحد من حيث جزالة النظم، وإتقان الأسلوب، وبيان الحقائق والحكم، والهداية إلى صريح الحق كما تدل عليه القيود المأخوذة في الآية، فهذا التشابه وصف لجميع الكتاب، وأما التشابه المذكور في هذه الآية، أعني قوله: وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ، فمقابلته لقوله: مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ، وذكر اتباع الذين في قلوبهم زيغ لها ابتغاء الفتنة وابتغاء التأويل، كل ذلك يدل على أن المراد بالتشابه كون الآية بحيث لا يتعين مرادها لفهم السامع بمجرد استماعها بل يتردد بين معنى ومعنى حتى يرجع إلى محكمات الكتاب فتعين هي معناها وتبينها بيانا، فتصير الآية المتشابهة عند ذلك محكمة بواسطة الآية المحكمة، والآية المحكمة محكمة بنفسها، كما أن قوله: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى»: طه- 5، يشتهى المراد منه على السامع أول ما يسمعه، فإذا رجع إلى مثل قوله تعالى: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ»: الشورى- 11، استقر الذهن على أن المراد به التسلط على الملك والإحاطة على الخلق دون التمكن والاعتماد على المكان المستلزم للتجسم المستحيل على الله سبحانه، وكذا قوله تعالى: «إِلَى رَبِّهَا نَاظِرَةٌ»: القيامة- 23، إذا أُرْجِعَ إلى مثل قوله: «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ»: الأنعام- 103، علم به أن المراد بالنظر غير النظر بالبصر الحسي، وكذا إذا عرضت الآية المنسوخة على الآية الناسخة تبين أن المراد بها حكم محدود بحد الحكم الناسخ وهكذا.»

الميزان في تفسير القرآن، ج3، ص19 تا 21.